

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

نقش عرف در پاسخگویی به نیازهای روز در گستره فقه

استاد راهنما:

دکتر سید علی پورمنوچهری

پژوهشگر:

شاپور جهانجونا

تابستان ۱۳۹۳

عنوان:

نقش عرف در پاسخگویی به مسایل روز

در گستره فقه

تقدیم به :

جستجوگران و تلاشگران احیای فقه اسلامی بر مبنای فطرت پاک انسانی، عقلانیت و عرف جمعی
بارعایت چارچوب و اصول ثابت اسلام

تشکر و قدر دانی:

از همه اساتید زحمتکش که در ایده گرفتن و انگیزه کار و عملیاتی کردن و تدوین تحقیق از آنها کمک گرفته ام از جمله آقای دکتر پورمنوچهری به عنوان استاد راهنما و آقایان دکتر خزایی، دکتر بهرامی، دکتر وزیری، دکتر نیکومنش و سرکار خانم دکتر فهرستی

و از همسر مهربان و فداکارم که سختی های زیادی را از بابت ادامه تحصیل بنده متقبل شدند

و از دو فرزند عزیزم علی و سارا که همراه و همپای بابا بودند و چه وقت هایی که از بودن در کنار آنها کم کردم و برای تحصیلم گذاشتم.

از پدر و مادر ارجمندم

و از همکلاسیهای عزیزم

و از همکار های گرامی ام در آموزش و پرورش

تقدیر و تشکر می نمایم.

بسمه تعالی

در تاریخ:

از پایان نامه خود دفاع نموده و با

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای

وبا درجه

بحروف

نمره

مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

بسمه تعالی	
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	
(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)	
نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱
کد شناسایی پایان نامه:	
عنوان پایان نامه: نقش عرف در پاسخگویی به نیازهای روز در گستره فقه	
نام و نام خانوادگی دانشجو: شاپور جهانجونی	تاریخ شروع پایان نامه:
شماره دانشجویی: ۹۱۰۸۸۳۹۰۳	تاریخ اتمام پایان نامه:
رشته تحصیلی: فقه و مبانی حقوق اسلامی	
استاد/استادان راهنما:	
استاد/استادان مشاور:	
چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده)	
<p>دین اسلام قابلیت پاسخگویی به تمام مسایل را داراست و عرف که به نظر بنده یعنی امری معروف، پسندیده و منطبق با عقل سلیم و فطرت پاک انسانی است، می تواند با رعایت اصول حق فطری بشر، مدارا با مردم، آزادی، عقل و فهم و نیازهای روز بشری، حکم عقلی، اخلاق، تغییر شرایط زمانی و مکانی و مصلحت و مفسده زندگی مردم، نقش اصلی را در پویایی و مواجهه فقه نسبت به مسایل متغیر به ویژه در امور امضایی، معاملات و مسایل اجتماعی بازی نماید و یکپارچگی و جامعیت دین مبین اسلام را که ذاتاً بر محور اخلاق، انصاف، عدالت، علم و عقل استوار است، ثابت نماید.</p> <p>کلیدواژه ها: عرف - بنای عقلا - حق فطری - مصلحت و مفسده - احکام امضایی - یکپارچگی دین - اخلاق - علم - انصاف - عدالت</p>	

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه مناسب است تاریخ و امضا:

مناسب نیست

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۳.....	۱- فصل اول: کلیات تحقیق
۳.....	۱-۱ بیان مسأله تحقیق (طرح بحث)
۴.....	۲-۱ تاریخچه و پیشینه موضوع
۵.....	۳-۱ ضرورت و اهمیت موضوع
۷.....	۴-۱ اهداف تحقیق
۷.....	۵-۱ پرسش های تحقیق
۸.....	۶-۱ فرضیه تحقیق
۹.....	۷-۱ روش تحقیق و نوع آن
۹.....	۸-۱ قلمرو تحقیق
۱۰.....	۹-۱ جایگاه شناسی بحث
۱۳.....	۲- فصل دوم: مفاهیم و واژگان
۱۳.....	۲-۱ گفتار اول : مفاهیم، منشأ پیدایش واقسام عرف
۱۳.....	۲-۱-۱ عرف در لغت
۱۴.....	۲-۱-۲ عرف در اصطلاح
۱۶.....	۲-۱-۳ منشأ پیدایش عرف

- ۴-۱-۲ اقسام عرف ۱۸
- ۲-۲ گفتار دوم: عناصر، مشخصه های عرف و واژگان ۲۲
- ۱-۲-۲ عناصر عرف ۲۲
- ۲-۲-۲ مشخصه های عرف ۲۴
- ۳-۲-۲ سیره عقلا ۲۵
- ۴-۲-۲ عادت ۲۶
- ۱-۴-۲-۲ شباهت عرف و عادت ۲۸
- ۲-۴-۲-۲ تفاوت عرف و عادت ۲۸
- ۵-۲-۲ اجماع ۲۸
- ۶-۲-۲ مد ۲۹
- ۷-۲-۲ مفهوم شناسی فقه پاسخگو ۳۰
- ۳- فصل سوم: حجیت عرف ۳۴
- ۱-۳ گفتار اول : شرایط اعتبار و حجیت عرف ۳۶
- ۱-۱-۳ حجیت عرف های نوپیدا ۳۹
- ۲-۱-۳ حجیت عرف، مدلول خاستگاه اجتماعی آن ۴۱
- ۲-۳ گفتار دوم : حجیت عرف و کاربرد آن در مذاهب اسلامی ۴۳
- ۱-۲-۳ حجیت عرف در مذاهب اسلامی ۴۳

- ۳-۲-۱-۱ مکتب تشیع (امامیه)..... ۴۳
- ۳-۲-۱-۲ مکتب تسنن..... ۴۶
- ۳-۲-۱-۳ ادله حجیت عرف نزد اهل سنت..... ۵۳
- ۳-۲-۲ کاربرد عرف در مذاهب اسلامی..... ۵۴
- ۳-۲-۲-۱ کاربرد عرف در مکتب فقهی شیعه..... ۵۵
- ۳-۲-۲-۲ کاربرد عرف در مکتب فقهی حنفی..... ۵۶
- ۳-۲-۲-۳ کاربرد عرف در مکتب فقهی مالکی..... ۵۷
- ۳-۲-۲-۴ کاربرد عرف در مکتب فقهی حنبلی..... ۵۷
- ۳-۲-۲-۵ کاربرد عرف در مکتب فقهی شافعی..... ۵۸
- ۴- فصل چهارم: نقش عرف در جوامع و در پاسخگویی فقه به نیازهای جامعه و در محدوده
ی تغییر موضوعات و در ارتباط با احکام اجتماعی..... ۶۰
- ۴-۱ گفتار اول: عرف در جامعه و نظام های حقوقی..... ۶۰
- ۴-۱-۱ عرف در جامعه..... ۶۰
- ۴-۱-۲ عرف در نظام های حقوقی..... ۶۳
- ۴-۲ گفتار دوم: نقش عرف در استنباط احکام، تغییر موضوعات فقهی و احکام اجتماعی اسلام..... ۶۷
- ۴-۲-۱ نقش عرف در استنباط احکام و تغییر موضوعات فقهی..... ۶۸
- ۴-۲-۱-۱ نقش عرف در استنباط احکام..... ۶۹
- ۴-۲-۱-۲ نقش عرف در تغییر موضوعات فقهی..... ۷۰
- ۴-۲-۲ عرف و احکام اجتماعی اسلام..... ۷۴

۵- فصل پنجم : نتیجه گیری و پیشنهادها..... ۸۰

کتابنامه..... ۸۳

منابع عربی..... ۸۳

منابع فارسی..... ۸۷

مقالات ، مجلات و پایان نامه ها..... 91

قوانین..... ۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

سپاس خدایی را که اساس هستی را بر قانون نهاد و قوانین شریعت را دستور العمل آدمی قرار داد و به وی عقل و اندیشه بخشید تا با خرد و تدبر در قوانین حاکم بر نظام هستی چگونه بودن و با تفقه و اجتهاد در مقاصد شارع چگونه زیستن را بیاموزد و درود نامحدود بر بزرگ راهبر جهان بشریت حضرت خاتم انبیاء که مشعل فروزان هدایت را فراراه بشریت برافروخت و با خطاب « فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » (نحل: ۴۳) «از اهل دانش پرسیدارگرمی دانید.» پیروان خود را به دانش پژوهی، فرمان داد و درود سلام فراوان به روان پاک آل و یارانش، دانشمندان و فقیهانی که با تلاش و تفقه در دین احکام الهی را از منبع پاک و زلال آن استخراج و میراث بزرگ فقه و حقوق اسلامی را هماهنگ با مقتضیات زمان و پیشرفت تمدن بر بشریت عرضه نمودند و از قافله‌ی اندیشمندان جمعی را توفیق شریعت‌شناسی و فقهت و دین‌پژوهی عطا کرد تا با تأمل در کتاب و سنت پاک نبوی احکام و وظایف آدمیان را در هر عصر و زمان استخراج نمایند.

عرف، پدیده‌ای نیست که با پیدایش اسلام کشف شده باشد، بلکه همان روش و سلوک مستمر میان مردم است که فقه و حقوق اسلام، در برخی موارد مظهر تأیید بر آن زده و بعضی را هم مردود دانسته است. با وجود این، از اسناد اصلی و کاربردی برای کشف مفاهیم و معانی، تلقی می‌شود.

روی آوردن انسان‌ها به دین و محور قرار گرفتن آن در شئون زندگی اجتماعی و نیازهای روزافزون و عرضه شدن آنها به فقه و به تبع آن، پدید آمدن مسائل نوپیدا، ضرورت خروج از تنگنای فقه فردی و ورود به گستره فقه اجتماعی را بر ما معلوم می‌کند. انسان در زندگی اجتماعی خود دارای رفتارها و روابطی است که بخش عظیمی از آنها زیر پوشش مقررات شریعت قرار گرفته است و به شکل عرف در آمده است.

عرف از ابزارهایی است که مجتهد برای استنباط حکم شرعی استفاده می‌کند. نیز از پدیده‌های بحث‌برانگیز و متغیر فقه و حقوق شیعه و اهل سنت است که باعث تحول و دگرگونی در برخی موضوعات احکام و قوانین جامعه می‌شود. از این‌رو، فقیه برای به دست آوردن حکم یک پدیده عرفی، باید مسائل و شرایط مستحدث اجتماع را مورد دقت قرار دهد تا پویایی فقه شیعه محفوظ بماند.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱- فصل اول: کلیات تحقیق

آغازینه:

در این فصل به موضوعاتی همچون بیان مسئله، تاریخچه موضوع، ضرورت، اهمیت موضوع و اهداف، پرسش های تحقیق، فرضیه تحقیق، روش تحقیق و نوع آن و مروری بر تحقیقات گذشته پرداخته شده است.

۱-۱ بیان مسأله تحقیق:

با عنایت به این که دین مبین اسلام و به تبع آن فقه شیعه یک مکتب کامل و جامعی است که مسؤل و پاسخگوی تمام مسایل و احکام شرعی است و به عبارتی دیگر در مورد کلیه امور و رفتارهای فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی نظروراهنمایی دارد و با توجه به این که اصول دین ثابت و لایتنیغیر است ولی فروع دین با مرور زمان و در زمان و مکان مختلف و با توجه به شرایط و ویژگی های مختلف، می تواند با حفظ و رعایت اصول ثابت و پذیرفته شده، تغییر پیدا کند و دقیقاً اینجاست که اهمیت اجتهاد و پویایی فقه شیعی خودش را نشان می دهد. چه بسا در زمان حاضر و در زمان آینده مسایل جدیدی برای انسان پیش بیاید که آن مسئله در زمان گذشته برای فقهای آن عصر و دوره، پیش نیامده بود. پس فقهای زمان حاضر باید با تلاش و جهد و کوشش فقهی و عقلانی خویش و با رعایت اصول ثابت و لایتنیغیر، به مواجهه منطقی و استدلالی با مسایل نوپدید برون دنیا هم پاسخی شرعی و عقلانی و منطقی برای آن مسایل پیدا کنند و هم با این کار اجتهادی، جامعیت و کارآمدی و پویایی فقه شیعه را نشان بدهند که برای تمام زمانها و مکانها و تا ابد کارساز است و نیز فقهای آینده شیعه نیز باید برای مسایل مستحدثه آن دوره، چنین اجتهاد و تلاشی را بکنند و پرواضح است که اجتهاد پویا عبارت از اجتهادی است که بعد از سنجدیدن قضایا و فهم مقاصد تشریح و با توجه به دو عنصر زمان و مکان که از عوامل تعیین کننده ملاک و ویژگیهای موضوعات در بستر زمان می باشند از مأخذ آنها گرفته شود، اجتهاد پویا، بلند آشیانی است که زبونی و سستی به ساحت مقدسش راه ندارد و انسانها را علیه بی عدالتی، تبعیض و فساد بر می انگیزاند و حاکمیت قوانین غیر الهی و تنفس در نظام طاغوتی را نامشروع می داند. اجتهاد پویا استنباطی است که سرچشمه آن منابع جاودان اسلام و بسترش پویایی مناسب و روابط اجتماعی است؛ فقه پویا فقه زندگی است و آن نه تنها با پیشرفت حقیقی علوم و تمدن جدید در جدال نیست بلکه پیشرفتهای امروزی را پلی برای رسیدن به پیشرفتهای اجتهاد نوتری قرار می دهد.

الف- تاریخچه موضوع

دانشیان شیعه از دیرباز با پدیده ی عرف آشنا بوده و آن را در دانش های فقه و اصول به کار بسته و مورد توجه قرار می داده اند. آشنایی فقه شیعه با این پدیده به دورانی که در تاریخ فقه شیعه از آن به عصر حضور نام برده می شود، برمی گردد. گواه بر این سخن وجود روایاتی است که در آن ها به عرف توجه شده است. (حرعاملی، بی تا، ۴۰۴)

در ادبیات فقه شیعه از این پدیده با واژه های گوناگونی نام برده شده . با توجه به کهن ترین متون فقهی و اصولی بر جای مانده ، کاربرد واژه ی عرف و عادت برای پدیده ی عرف بیشتر در « مکتب بغداد» متداول بوده است و پیش از آن از این پدیده با واژگان دیگری نام برده می شد . چنان که در روایات مورد اشاره نیز اثری از کاربرد این دو واژه دیده نمی شود . این کاربرد (کاربرد واژگانی غیر از دو واژه ی عرف و عادت) برای پدیده ی عرف تا مدت ها پس از ورود و پذیرش واژه های عرف و عادت در ادبیات فقه شیعه نیز ادامه داشته است. واژگانی همچون اهل بلد ، تعارف، عادة البلد، عادة الناس، عرف، عادت، رایج ترین و مهم ترین واژگانی بودند که فقیهان شیعه تا هنگام ظهور اخباریان و تفوق مجتهدین اصولی به وسیله ی آن ها در آثار خود از پدیده ی عرف نام برده اند. (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ۳۰۷) از هنگام تفوق مجتهدین اصولی بر اخباریان و حتی اندکی پیش از آن ادبیات فقه شیعه بیش از پیش کاربرد دو واژه ی عرف و عادت را برای بیان این پدیده معمول می دارد. این روند تا هنگام شکل گیری سومین دوره ی «مکتب نجف» و ظهور فقیهانی همچون «صاحب جواهر» و «شیخ انصاری» و تا اندکی پس از آن ادامه دارد. از قرن اخیر ادبیات فقه شیعه به ایجاد واژگان جدیدی همچون «سیره و بنای عقلا» که ظاهراً در ادبیات فقه سنت نیز دارای پیشینه ای نمی باشد، روی می آورد. این واژگان نوظهور اندک اندک جای گزین کاربرد عرف و عادت می گردند و اقبال دانشیان شیعه به کاربرد این واژگان نوظهور در نوشته های فقهی و اصولی بیشتر از کاربرد دو واژه ی عرف و عادت بوده است و این روندی است که امروزه ادبیات فقه شیعه آن را برگزیده است.

ب- پیشینه موضوع

دردهه اخیر تحقیقات محدودی درباره نقش عرف در استنباط احکام صورت گرفته که هرکدام به زاویه ای خاصی از موضوع عرف و فقه پرداخته اند که بعضی عرف را در میدان مفاهیم الفاظ و برخی در عرصه تعیین موضوعات حجت دانسته اند.

در لابلای مقالات و تحقیقاتی که در این خصوص صورت گرفته است آمده که در بحث از عرف آن هم قسم بنا عقلا اگر توافقی که بین عقلاء صورت گرفته، منشاء عقلی داشته باشد کاشف از حکم شارع خواهد بود ولی اگر منشاء ظنی داشته باشد نه منشاء عقلی، باید امضاء شود چون خود ظن کاشف از حکم شارع نیست مگر دلیل معتبری داشته باشد مثل امارات..

در تحقیقات انجام شده نگرش شیعه برخلاف غالب فرق اهل سنت که آن را از منابع مستقل و اصلی استنباط می دانند، نگاه تعادلی است و نه آن را مستقل و به عنوان جزئی از دلایل استنباط احکام شرعی می پذیرد و نه اینکه آن را فراموش نماید، و شیعه غالباً عرف را که کاشف از نظر معصوم (ع) باشد، ملحق به سنت می داند؛ از منظر امامیه عرف به عنوان منبع مستقل نبوده و دلیل مستقلی نیز بر اعتبار و حجیت فی نفسه آن وجود ندارد و اعتبار آن منوط به کاشفیت از نظر معصوم (ع) ذکر شده است که برخی به دلیل بهره از قول و یا فعل و تقریر و یا عدم ردع معصوم (ع)، آنرا داخل در سنت می دانند و برخی دیگر نیز داخل در عقل می دانند پس عرف از ادله استنباط احکام شرعی است نه منابع و نه بصورت مستقل، بلکه بصورت ابزاری و در کنار سایر منابع و دلایل نقش ایفای نماید و استفاده و بهره از آن در کشف احکام شرعی ضروری است ولیکن می بایست با دقت و بررسی سنجش کامل ابعاد عرف، این بهره گیری صورت گیرد.

۳-۱ ضرورت و اهمیت موضوع

با توجه به شرایط عصر حاضر و نیز انتقادهای درست و نادرستی که از سوی برخی به فقه و عدم توانایی آن در برابر بعضی مسایل نوپا می شود و از طرفی با در نظر گرفتن جامعیت و ابدیتی که از طرف خالق مکتب فقه شیعه (خداوند متعال) به فقه شیعه داده شده است که این کار توسط فقهای هر عصر و از طریق اجتهاد نمود پیدا می کند؛ لذا بر آن شدم تا با توکل به خداوند متعال و به استناد نظرات فقها و دانشمندان مشهور اسلامی به این مقوله (نقش عرف در فقه پاسخگو) بپردازم. تا علاوه بر تکلیف قانونی در رایه پایان نامه، بتوانم شاید در معرفی پویایی فقه شیعه نقش جزئی داشته باشم.

بر محققین لازم است که چهره ناب اسلام و قانونگذاری و مصادر آن را به جهانیان معرفی نمایند تا جایگزین چهره مشوهی از اسلام باشد که دیگران در سایر نقاط جهان عرضه کرده و موجبات آثار شومی را بر موقعیت اسلام در جهان، از جهت قانونگذاری و غیره فراهم آورده اند. در این میان موضوع عرف و نقش و جایگاه آن در فقه، از اهم موضوعاتی است که بحث همه جانبه آن به ماکمک می کند تا ارتباط بین عرف و فقه را بخوبی درک کرده، و از قرار گرفتن در سراب افراط و سقوط در دره تفریط در امان بمانیم.

موضوع عرف، در کتابهای اصولی شیعه، تحت عنوان مستقلى مورد بحث واقع نشده است، حال آنکه کاربرد وسیعی در جمع ادله دارد، به طوری که حتی حجیت بعض ادله اصولی مثل حجیت ظواهر قرآن و سنت با آن اثبات می شود، و نیز مرجع تحدید موضوعات فقهیه و اصولیه است، چنانکه بحث از عرف، شامل بناء عقلاء و سیره متشرعه و غیر آن دو نیز می شود. بنابراین با توجه به کاربرد وسیع آن در فقه و اصول، سزاوار است که بحث کامل و مستقلى در مورد آن صورت گیرد و جایگاه عرف در استنباط احکام شرعی و نیز در پاسخگویی به نیازهای روز در گستره فقه بخوبی شناسانده شود. ((منصورى، ۱۳۸۵، ۴۸-۸))

فهم عرفی، از عناصری است که در استنباط احکام شرعی مؤثر است، چرا که پیام آوران خدا از میان مردم برانگیخته شده اند تا با توده های مردم سخن بگویند و حقایق را برای آنان تبیین نمایند، چنانکه خداوند در قرآن می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِنَبِّئَنَّ لَهُمْ» (سوره ابراهیم، آیه ۴) «ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد» لازمه تبیین حقایق برای خلق، سخن گفتن به گونه ای است که برای آنان آشنا و مفهوم باشد، چه اینکه آنان مخاطب احکام شریعتند و تا زمانی که مقصود شارع را در نیابند، قادر به اطاعت نخواهند بود.

نقش عرف در استنباط احکام بسیار جدی است تا جایی که شاید دور از واقع نباشد اگر ادعا کنیم بسیاری از اختلافات فقهی معلول استظهارات عرفی است. فقیه ممکن است فهم شخصی خود را به عنوان فهم عرفی تلقی کند و به جای استفاده از عرف، بر مسائل فلسفی و ژرف کاویهای عقلی تکیه نماید. (رجبی، ۱۳۷۲، ۱۲۸) چنانکه عالم بزرگ میرزای قمی «صاحب قوانین» می فرماید:

«فقیه در حدس و برداشت خود، در زمینه مباحث عرفی متهم است؛ (و در معرض خلط مباحث غیر عرفی با موضوعات عرفی قرار دارد) هرچند خود از عرف به شمار می آید ولی از آنجا که ذهن او با احتمالهای

فراوان و کاربردهای مختلف یک واژه آشناست و با دلایل مختلف عقلی و نقلی که به نوعی با فهم ساده عرفی تفاوت می‌کند، سر و کار دارد، لذا فهم او را به عنوان فهم عرف، نمی‌توان دانست». (قمی، ۱۳۶۳، ۱۴)

هم‌چنین امام خمینی (ره) نیز در این زمینه می‌فرماید:

«از جمله شرایط اجتهاد، انس با محاورات عرفی و فهم موضوعات عرفی است آن‌هم با همان عرفی که محاورات قرآن و سنت بر طبق آن صورت گرفته است. شرط اجتهاد، دوری جستن از خلط دقایق علوم عقلی با معانی عرفی عادی است. چه بسیار مواردی که در این زمینه خطا صورت می‌گیرد، چنان‌که برای برخی از دل‌مشغولان دقایق علوم - حتی اصول فقه به معنای امروزی آن - این مشکل زیاد پیش می‌آید که معانی عرفی بازاری و رایج میان اهل لغت را که بنای قرآن و سنت بر آن است، با دقت‌هایی که خارج از فهم عرف می‌باشد به هم می‌آمیزند». (خمینی، ۱۳۸۵، ۹۷-۶۷)

از این رو، لازم است که تحقیق و بررسی بیشتری نسبت به آنچه تاکنون در زمینه عرف انجام شده است صورت گیرد تا نقش و حد و مرز بین فقه و عرف در میدان استنباط احکام شرعی بخوبی تبیین شود.

۴-۱ هدفهای تحقیق

- با نقش عرف در پویایی فقه آشنا شویم.
- به نقش اجتهاد در فقه پاسخگو پی ببریم.
- جامعیت و پاسخگو بودن فقه شیعه را در برابر موضوعات و شرایط نوبا کمک عرف اثبات کنیم.

۵-۱ پرسش‌های تحقیق

۱. مفهوم عرف چیست؟
۲. عرف در اسلام چه جایگاهی دارد؟
۳. آیا از طریق عرف و بنای عقلا می‌توان به فقه پاسخگو دست یافت؟

۶-۱ فرضیه تحقیق

۱. عرف یعنی آن چیزی است که از راه عقول در جانها استقرار یابد و طبیعتهای سالم آن را بپذیرد.

۲. از آغاز تشریح اسلامی، عرف به عنوان منبع در حوزه استنباط فقهی مذاهب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در این باب مذاهب و فرق اسلامی به تناسب ابواب فقه از عرف بهره های فراوان برده اند که هویت عرف و کاربرد آن بر اساس قلمرو و تأثیر در فضای شرعیت به لحاظ شرایط زمانی و مکانی نگریسته شده است.

رشد و بالندگی فقه، در گرو آن است که فقیه از اوضاع جهانی که در آن زندگی می کند، آگاه باشد. با زندگی روزمره مردم و جریانها و رویدادهای زندگی آنان آشنا باشد و در متن جامعه قرار بگیرد و حوادث واقعه و مسائل مستحدثه را خوب بشناسد. در مواردی که از کتاب و سنت و اجماع و عقل نتوانیم قانون و حکمی را بیرون بیاوریم، این عرف و بنای عقلا است که پا به میدان قانونگذاری می نهد تا جامعه را از کمبود و خلأ قانون و بلا تکلیفی و یا گرایش بسوی قوانین بیگانگان نجات بخشد.

۳. استفاده از عرف و بنای عقلا در فقه روشی است که با حفظ اصول اساسی شریعت (توحید، نبوت، امامت، عدل و معاد) در فروع دین به اجتهاد می پردازند و نقش زمان و مکان را در آن منظور می کنند و شریعت را بدون خروج از شالوده های دینی اش و در چارچوب عدالت، انسجام، یکپارچگی و انصاف، روزآمد می سازد. لذا به وسیله عرفی که قرین با علم و تخصص بوده و منطبق با عقل سلیم و فطرت پاک انسانی باشد، می توان فقه را در مواجهه با مسایل روز و نوپیدا، پاسخگو کرد و حکم فقهی مناسب و متناسب با موضوع استخراج کرد.

۷-۱ روش تحقیق و نوع آن

تحقیق نظری که نوعی پژوهش بنیادی است و از روش های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده می کند و بر پایه مطالعات کتابخانه ای انجام می شود که در صورت اثبات کاربردی خواهد بود.

۸-۱ قلمرو تحقیق

این نوشتار برآن است در وهله نخست، ضرورت بحث از موضوع عرف و فقه را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار دهد و روشن سازد که میدان تحقیق در این زمینه، بسی گسترده و عمیق است. سپس سایر بحثهای مربوط به موضوع را براساس ترتیب منطقی در قالب پنج فصل ارائه می دهد؛ فصل اول کلیات، فصل دوم مفاهیم و واژگان، فصل سوم حجیت عرف، فصل چهارم نقش عرف در جوامع و در پاسخگویی فقه به نیازهای جامعه و در محدوده ی تغییر موضوعات و درارتباط با احکام اجتماعی و در خاتمه در فصل پنجم، اهم نتایج حاصل از بحثها و پیشنهاد ها ارایه شده است